

## فصل اول

### مباحث مقدماتی تاریخ

#### واژه شناسی تاریخ

تاریخ از نظر لغت به معنای تعیین و شناساندن وقت است . برخی این واژه را عربی ندانسته اند ، اما نظر برگزیده تر این است که تاریخ از ماده «رخ» یا «ورخ» ، به معنای تعیین وقت است .  
(تاریخ مجموعه ای از اطلاعات ، درباره گذشته و نقش تأثیر و تأثر انسان در ارتباط با آن گذشته است).

#### تاریخ نقلی

تاریخ نقلی ، علم به وقایع و حوادث سپری شده و آگاهی از اوضاع و احوال گذشتگان است .

#### تاریخ علمی

تاریخ علمی یعنی مطالعه ، بررسی و تحلیل وقایع گذشته و استنباط قواعد و سنت های حاکم بر زندگی گذشتگان .

#### علمیت ، اعتبار و فایده تاریخ

امام علی (ع) می فرماید :

پیمان و شخصیت خود را در گرو آنچه می گویم قرار می دهم و ضمانت آن را به عهده می گیرم . بی گمان هر کس به روشنی از پیشامدهای تاریخی و فرجام بد امت ها در گذشته عبرت گیرد ، پیوسته آنها را در نظر داشته باشد ، ژرف در آنها بنگرد و قوانین و نوامیس حرکت جوامع را از آن حوادث دریابد ، واقع بینی و پرواداری او را از غلتیدن در جایگاه شبهه ناک و هلاکت بار باز می دارد .

#### فلسفه تاریخ ، سنن و عوامل محرک آن

فلسفه تاریخ عهده دار بررسی حقیقت و علت وجودی این تحولات ، کشف سنن حاکم بر آنها ، تعیین منازل برجسته حرکت تاریخ ، تبیین روش های پژوهش تاریخ و نیز ارزیابی دستاورد این پدیده هاست .

## اهمیت و ارزش تاریخ اسلام

- آگاهی از تاریخ اسلام و بارور نگاه داشتن این میراث فرهنگی موجب امیدواری، نشاط، بیداری، پایداری و وحدت جهانی مسلمانان است و در پیروزی انقلاب جهانی اسلام، اثری بنیادین دارد.
۱. اثبات مسئله وحی و پیوستگی پیامبر خدا (ع) به منبع لایزال الهی و معجزه جاویدان وی.
  ۲. آگاهی از راز و رمز توفیق پیامبر اکرم (ع) در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی و دگرگونی بنیاد نظام قبیله ای جاهلیت و تبدیل آن به یک حکومت منسجم، پویا و زنده.
  ۳. دستیابی به بخش گسترده ای از مبانی نظری و سنت عملی پیامبر خدا (ع) و ائمه اطهار (ع) در عرصه های فرهنگی، معنوی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.
  ۴. شناخت احکام شرعی، چگونگی و مراحل وجوب و مشروعیت آنها.
  ۵. در نهایت، از آنجا که سرنوشت مردم مسلمان ایران با سرنوشت و فرهنگ این آب و خاک گره خورده و اسلام و ارزش های دینی مبنا و رمز ماندگاری فرهنگ این ملت و سرزمین شمرده می شود، وظیفه ملی ماست که از پیشینه آنچه سرنوشت ملی و میهنی ما بر آن استوار است، آگاهی یابیم.

## آسیب شناسی تاریخ اسلام و منابع آن

### مهمترین اسباب تحریف تاریخ اسلام عبارت است از :

۱. فاصله زمانی و مکانی میان مورخ و پدیده ها
۲. اختلاف امت و پیدایش فرقه ها : اختلاف امت اسلام و گرایش های فرقه ای و در نتیجه انگیزه های غیر حق طلبانه برخی مورخان، آفت دیگری است که همواره چهره تاریخ اسلام را مخدوش کرده است.
۳. تعصب : عقاید مذهبی و گرایش نژادپرستانه مورخ چنان در نوشتن تاریخ تأثیر دارد که یافتن گزارش تاریخی تهی از تعصب دشوار است.
۴. فشار فرمانروایان : پیوسته خوددوستی در انسان ها مشکل ساز بوده است و در فرمانروایان آفتی بزرگ است و پیامدهایی ناگوار دارد. فشار حاکمان اموی و عباسی در برخی زمان ها، چنان بود که هر کس حدیثی درباره قضیلت علی (ع) و فرزندان او نقل می کرد، با شدیدترین شکنجه ها رو به رو می شد.

۵. استفاده ناروای برخی دانشمندان اهل کتاب از کم اطلاعی خلفا و اطرافیان آنها : این گروه از عالمان می کوشیدند با نقل افسانه ها و مطالب بی اساس (اسرائیلیات) آیین اسلام را بی اعتبار سازند . دشمنی و کینه توزی افرادی چون کعب الاحبار ، ابوهریره ، وهب بن منبه و سیف بن عمر ، نسبت دادن حوادث دروغین و خلاف عقل و منطق به اسلام ، آفتی بود که چهره اسلام را تاکنون غبار آلود و مشوش کرده است.

### **اصول و قواعد عام تاریخ نگاری با تکیه بر ارزش های اسلامی**

۱. توجه به همه علل و عوامل پیشرفت یا انحطاط یک سلسله یا ملت ، و اعتماد بر اسناد و مدارک معتبر از زمان شکل گیری و پیدایش آن سلسله .

۲. پرهیز از اظهار نظر درباره موضوعی قبل از بررسی و تحقیق کامل .

۳. رعایت عینیت و واقعیت در تحقیق ، حفظ امانت و درستی ، ترک تعصب در حقایق علمی و ثبت و نقل وقایع ، آن گونه که هست .

۴. در نظر گرفتن امکانات زمان وقوع حادثه و توجه به آداب ، رسوم و سنن جامعه مورد نظر .

۵. پرهیز از اعتماد همه جانبه و بدون بررسی و تحقیق به نظر نویسندگان گذشته .

## جهان در آستانه بعثت

### جزیره العرب

#### الف) موقعیت جغرافیایی

جزیره العرب ، از نظر جغرافیایی به سه بخش تقسیم شده است .

۱. شمال و غرب (حجاز) : این بخش ، که شهرهای مکه ، مدینه ، طائف ، ینبوع و جده را در بر می گیرد.

۲. مرکز و شرق (صحرای عرب) : سرزمین بلند منطقه نجد ، بیابانهای وسیع نفوذ و ربع الخالی ، که در آن از باران و آبادانی خبری نیست .

۳. جنوب (یمن) : این بخش که در گذشته ، عربستان خوشبخت یا یمن نامیده می شد ، شامل منطقه ای به شکل مثلث است که ساحل دریای عرب ، ضلع شرقی و دریای سرخ ، ضلع غری و خط فرضی طهران – حضرموت ، ضلع سوم آن را می سازد. این بخش پرنعمت ترین نقطه جزیره است ؛ به گونه ای که آثار تمدن درخشان و با عظمت آن تا به امروز باقی و مشهور است .

#### ب) وضعیت سیاسی جزیره العرب

۱. **عرب بآئده** : مراد قبایلی است که سال ها قبل از ظهور اسلام به سبب نافرمانی ، به وسیله بلاهای آسمانی و زمینی از میان رفتند . قوم عاد ، ثمود و تبع که به تعبیر قرآن به مجازات الهی محکوم شدند ، از معروفترین اعراب بآئده شناخته شده اند .

۲. **عرب عاربه – اصیل باقیه ، حاضره** : قبایلی که در یمن و دیگر نقاط جنوبی عربستان زندگی می کردند . قبایل فراوان این منطقه ، از جمله اوس و خزرج ، جرهم ، خزاعه ، لخمیان و ... عرب اصلی به شمار آمده و نسبت خود را به یعرب بن قحطان ، فرزند پنجم حضرت نوح ، می رساندند . وقتی از تمدن عرب پیش از اسلام گفتگو می شود ، بیشتر عرب عاربه که عمدتاً در جنوب بودند ، مراد است .

۳. عرب مستعربه - غیر اصیل - باقیه ، حاضره : قبیله هایی که دارای نژاد عرب نبوده و نیای آنان از خارج از

جزیره العرب به این منطقه آمده و با حضور طولانی مدت ، زبان عربی ، زبان اصلی آنان شده است . اینان از طریق عدنان و با چند واسطه از فرزندان حضرت اسماعیل (ع) شمرده می شوند .

### ج) فرهنگ و آداب و رسوم

هر چند خصلت های پسندیده ای چون روحیه سلحشوری ، وفای به عهد ، بخشندگی و مهمان نوازی ، صراحت لهجه ، حافظه قوی و اهتمام به شعر و شاعری گواه خوبی بر وجود برخی ارزش های فرهنگی و تمدنی در میان مردم شبه جزیره العرب است .

کمیت گرایی ، فخرفروشی ، حاکمیت خرافات بازمانده از تحریف ادیان ، افسانه های باستانی ، اساطیری و موهومات تخیلی ، هر یک نشان دیگری از انحطاط اندیشه و خالی بودن سازمان فکری آنان از تفکر بود .

### د) زنان و نظام خانواده

چند همسری بی قید و شرط بود ؛ تا آنجا که یک مرد می توانست ده زن آزاد اختیار کند . این امر امنیت حقوقی و خانوادگی زن را سلب کرده بود . رواج انواع زناشویی مانند ازدواج صداق ، متعه ، اماء ، مبادله ، مشارکت خواهران ، استبضاع ، تعویضی و اجباری ، نظام خانواده را متزلزل ساخته و شأن زن را تا حد جانوران ، پایین آورده بود . چنانکه قرآن می گوید بسیاری ، دختر را ننگ می شمردند و حتی برخی دختران خود را زنده به گور می کردند .

### ه) وضعیت اقتصادی

ارزنده ترین پدیده اقتصادی در عربستان آن روز ، برقراری بازارها و نمایشگاه های فصلی بود که برای رونق بخشیدن به تجارت داخلی و خارجی ، در هر شهر و منطقه ای ، متناسب با موقعیت جغرافیایی و اجتماعی ، برگزار می شد .

### امام علی (ع) در این باره می فرماید :

خدا محمد (ع) را فرستاد تا مردمان را بترساند و فرمان خدا را چنانکه باید رساند . در آن زمان شما ای قوم عرب بدترین آیین را برگزیده بودید . در بین سنگ های خشن و مارهای گزنده می خوابیدید . از آب تیره

می نوشیدید ، غذای خوبی نداشتید ، خون یکدیگر را می ریختید ، پیوندتان را از خویشان می بریدید و جنگ می کردید .

## **(و) اوضاع دینی**

عنصر اصلی دین قبایل عرب جاهلی ، شرکت و بت پرستی و به تعبیری ، آمیزه ای از تعدد خدایان و طبیعت پرستی بود . مسیحیت و دین یهود در نقاطی مانند نجران و یثرب گسترش داشت و در منطقی مانند حیره ، کیش مانی و زرتشتی نیز مورد توجه بود .

امام علی (ع) در تبیین کیفیت دین ورزی عرب جاهلی می فرماید :

خداوند محمد (ع) را برانگیخت تا جهانیان را انداز نماید و فرمان خدا را چنان که باید رساند و شما ای قوم عرب ، بدترین دین را داشتید ... در میان شما بت ها افراشته و گناهان بال شما را بسته بود .

## **تاریخ جاهلیت و مفهوم آن**

واژه جاهلیت نخستین بار به وسیله قرآن و در خصوص زندگی مردمان قبل از بعثت به کار رفته است .

### **چهار مصداق روشن جاهلیت در قرآن کریم عبارت است از :**

۱. پیروی از حکم و حکومت ناحق ، رفتار خلاف قانون الهی و مبتنی بر هوا و هوس و روی گردانی از

دستورهای الهی ، که مورد نهی قرار گرفته است . (حکم الجاهلیه)

۲. بی توجهی به وعده و وعیدهای خداوند و بداندیشی درباره افعال الهی ، که درباره گروهی از یاران پیامبر

است که با اکراه و نفاق ، در جنگ احد شرکت کرده بودند . (طن الجاهلیه)

۳. بی پروایی زنان در جامعه و نمایاندن زیور و آرایش های زنانه ، که در هشدار هزنان پیامبر (ع) و

جلوه گری آنان است . (تبرج الجاهلیه)

۴. تأکید بر خواسته های نابجا ، تعصب درباره آگاهی های ناچیز و جانبداری بی دلیل از عقاید و اندیشه ها .

(حمیه الجاهلیه)

## امپراتوری ایران در عصر ساسانیان

ایران یکی از دو همسایه بزرگ شبه جزیره عرب بود و با جمعیتی بیش از ۱۴۰ میلیون نفر بخش های مهمی از عراق - حاشیه دجله و فرات و کارون - قفقاز ، بخارا ، سمرقند ، خوارزم و غزفه را نیز در بر می گرفت .

### الف) حکومت و سازمان جامعه

نوع حکومت ایران ، سلطنتی و استبدادی بود و پادشاهان ساسانی خود را موجوداتی برتر از بشر ، فرزندان خدا و دارای شخصیت ربانی می دانستند . خسرو پرویز ، که در سال ۵۹۱ م . به سلطنت رسید و هنگام طلوع خورشید اسلام فرمانروای ایران بود ، درباره خود می گوید :

آدمی فناپذیر از میان خدایان و خدای بسیار جلیل در میان مردمان و صاحب شهرتی بسیار و کسی که در طلوع با آفتاب قرین است .

در امپراتوری ساسانی اقلیتی در حدود یک و نیم میلیون نفر ، یعنی چیزی حدود یک درصد کل جمعیت ، همه چیز را در اختیار داشتند و بیش از ۹۸ درصد چون بردگان از حقوق اساسی محروم بودند . مردم عادی و حتی طبقات متوسط حق مالکیت ، دانش اندوزی و ... نداشتند .

### ب) نظام خانوادگی و حقوق زن

در خانواده ایران دوره ساسانی ، مرد ریاست مطلق داشت و از نظر تعداد همسرانش با محدودیتی رو به رو نبود و ازدواج با محارم ، به دلیل تشویق برخی از منابع زرتشتی ، رواج داشت .

### ج) وضعیت مذهب

هنگام ظهور اسلام ، ادیانی مانند زرتشتی ، یهودی ، مسیحی ، مانوی ، صابئی و مزدکی در ایران رواج داشت دین رسمی ، که از سوی شاهان ساسانی مورد حمایت قرار می گرفت ، آیین نامه زرتشت بود .

### امپراتوری روم شرقی

همسایه مقتدر شمالی جزیره العرب ، امپراتوری بیزانس بود که آسیای صغیر ، شامات ، مصر و بخش های عمده ای از اروپای کنونی و آفریقا را در بر می گرفت و قسطنطنیه پایتخت آن شمرده می شد . روم با استبداد و سلطنت اداره می شد و تشکیلات اداری بسیار پیچیده و گسترده ای داشت .

## الف) وضعیت دینی

مسیحیت از آغاز قرن چهارم میلادی دین رسمی امپراتور اعلام شد. در سال ۳۱۳ م. قسطنطنین به سبب رویایی فرمان آزادی مسیحیت را اعلام کرد و از این پس مشکلات داخلی و درون فرقه ای مسیحیت خود را نشان داد. دین ستیزی، دین گریزی و همه بی مهری های دیروز و امروز غرب به مذهب، بر اموری که از این تاریخ به بعد وارد مسیحیت شده، استوار است. سکولاریسم و کنار زدن دین از جامعه و تجربه زدگی افراطی و نامعقول، در عملکرد کلیسای قرون وسطا ریشه دارد که اساس آن در قرن چهارم میلادی نهاده شد.

## ب) نظام طبقاتی

امپراتوری روم نیز مانند رقیب نیرومندش در نظام طبقاتی به سر می برد. در این امپراتوری شایستگی ذاتی ملاک شخصیت نبود و هر کس، در هر درجه از شایستگی یا بی لیاقتی، از مزایای مخصوص طبقه خود بهره مند می شد. مردم به چهار طبقه اشراف، شوالیه ها، طبقه متوسط و بردگان تقسیم می شدند.

امام علی (ع) در ترسیم وضعیت جهان در عصر بعثت می فرماید:

خداوند پیامبرش را زمانی مبعوث ساخت که مردم در غرقاب گناه و نادانی فرو رفته بودند و در سرگردانی به سر می بردند. افسار هلاکت آنها را می کشید و پرده های گمراهی چهره عقلشان را پوشیده و بر جان و دلشان قفل زده شده بود.

خداوند محمد (ع) را زمانی فرستاد که از دین نشانی بر پا نبود و هیچ گلدسته ای نور افشانی نمی کرد و راهی - برای سعادت بشر - آشکار نبود.

آن حضرت (ع) در کلامی دیگر می فرماید:

خداوند سبحان حضرت محمد (ع) را در حالی برانگیخت که (مردم روی زمین) دارای مذهب پراکنده، خواسته های ضد و نقیض و گروه های متفرق بودند. دسته ای خدا را به مخلوقش تشبیه می کردند، گروهی ملحد و منکر بودند و جمعی معبودهایی جز خدای یگانه داشتند. اما او آنها را از گمراهی رهانید و از جهالت نجات بخشید.

## تاریخ پیامبر اسلام (ع) ولادت ، بعثت و دعوت

### کودکی و نوجوانی

عبدالمطلب از میان اصیل ترین خانواده ها ، سعادت‌مند ترین بانوی جهان ، آمنه را برای فرزندش عبدالله برگزید . دیده به جهان گشودن پیشوای انسان ها در سپیده دم هفدهمین روز ماه ربیع الاول سال ۵۷۰ م .  
عام الفیل - ۵۳ سال قبل از هجرت آن حضرت که بعدها به عنوان مقیاس زمان و آغاز رسمی تاریخ اسلام قرار گرفت - با حوادثی شگرف همراه بود .

عبدالمطلب ، جد اول پیامبر (ع) که به بخشندگی ، نیکوکاری و دستگیری از افتادگان شهرت داشت یادگار عبدالله را شاید به علت ناکافی بودن شیر آمنه و یا به رسم بزرگان عرب همراه حلیمه سعدیه - از قبیله بنی سعد که به شجاعت و فصاحت معروف بودند - به روستا (بادیه) فرستاد . چون به شش سالگی گام نهاد ، مادر مهربانش دیده از جهان فرو بست و در حدود هشت سالگی ، نیای گران قدرتش عبدالمطلب به سرای دیگر شتافت .

### کلید شخصیت محمد (ع) در نوجوانی و جوانی

دوران جوانی ، زمان شکوفایی غرایز و گاه انحراف ها و آلودگی های انسان است ؛ به ویژه در فضای تیره جامعه حجاز که حتی کهنسالان به گونه ای شرم آور در آلودگی به سر می بردند . امین به فرد امانت دار ، راست گو ، باوقار ، خوش خلق ، کریم و شرافتمند گفته می شود که از ناپاکی و گناه اجتناب می کند . محمد(ع) امین است و با وجودی که سنین جوانی را می گذراند گرد هیچ یک از آداب و رسوم جاهلی نمی گردد . در مکه نوشیدن شراب ، انجام قمار و نیز فساد اخلاقی امور رایج بود . مجالس لهو و خوش گذرانی قریش معروف است . معمولاً در مکه شب نشینی هایی بر پا می شد که زن و مرد در آن شرکت می کردند و به افسانه گویی و بذله گویی می پرداختند ، اما آن جناب (ع) حتی یک بار در این مجالس شرکت نکرد .

## جوانی

در ۲۰ سالگی ، با شرکت در پیمان (جوانمردی و نیکوکاری) (حلف الفضول) به دادخواهی ستمدیدگان برخاست . کویا در ۲۵ سالگی و در رویداد گردهمایی بزرگان قریش به منظور ترمیم بنای کعبه که با گفتگوهای جاه طلبانه ای همراه شد و نزدیک بود به کشمکش اساسی مبدل گردد و نزاعی طولانی و خون ریزی پر دامنه پدید آورد ، امین قریش با خردمندی و فرزانه گی داوری کرد و ضمن احترام به همه گروه ها و شرکت دادن نمایندگان همه قبایل ، حجرالاسود را به جای خویش بازگرداند و بدین ترتیب ، شدیدترین اختلاف در پرتو حکیمانه ترین تدبیر برطرف گردید .

## ازدواج

خدیده ، بانوی فهیم و ثروتمند مکه ، از زنان ممتاز جزیره العرب به شمار می آمد . رفتار آن حضرت در جلب رضایت خدیجه و بخشیدن اموالش به تهی دستان ، بی توجهی به ثروت اندوزی ، آزاد کردن زید بن حارثه از قید بردگی و ارج نهادن به او ، مشعلی بود که به زودی خدیجه را از دهلیز وجود محمد (ع) عبور داد و به روشنایی خیره کننده قلبش رساند .

## آغاز رسالت

۲۷ رجب ، در حالی که محمد (ع) عالی ترین مراحل کمال انسانی و عقلانی را در چهل سالگی پشت سر می گذاشت ، خدیجه که در پانزده سال زندگی با وی از او جز راستی و درستی ندیده بود و با زوایای اندیشه اش آشنایی داشت ، رسالیش را تبریک گفت و بی درنگ ایمان آورد .

ایمان خدیجه برای پیامبر ، که قریش را نیک می شناخت و راهی دشوار فراروی خویش مشاهده می کرد ، نسیم قرار و تکیه گاهی ارزنده شمرده می شد . علی (ع) که بیشتر عمر ده ساله اش را در خانه رسول خدا گذرانده و زیر نظر او پرورش یافته بود ، با مشاهده نشانه های فرود آمدن فرشته وحی ، به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد (ع) گواهی داد .

## دعوت خصوصی - پنهانی و تبلیغ عملی

عبدالله بن مسعود ، صحابی دانشمند ، چنین نقل می کند : همراه عموهایم و چند تن دیگر برای خرید کالا به مکه رفتیم . می خواستیم عطر بخریم . از فروشنده اش پرسیدیم ، عباس بن عبدالمطلب را نشان دادند . کنار چاه زمزم ، با عباس در گفتگو بودیم که مردی با چهره سپید و گلگون و چون ماه درخشان از در ((صفا)) وارد مسجد الحرام شد . نوجوانی زیبا همراهش بود و در پی او ، بانویی آهسته و با وقار گام بر می داشت . آنها وقتی نزدیک کعبه رسیدند ، حجرالاسود را احترام کردند . پس هفت بار پیرامون کعبه گردیدند . آنگاه در برابر رکن به نماز ایستادند .

## انذار خویشاوندان و دعوت آشکار

سه سال تبلیغ عملی و پنهان رسول اکرم (ع) و افزایش گروندگان او زمینه ذهنی و اجتماعی دعوت عمومی و علنی را فراهم آورد . بیش از ۴۰ تن از نزدیکان و فرزندان زادگان عبدالمطلب - که ابوطالب ، حمزه و ابولهب از آن جمله اند - به مهمانی دعوت شدند و علی (ع) به دستور رسول خدا (ع) سفره ای گسترد . پس از خوردن غذا ، ((ابوالهب)) که بهره گیری میهمانان بسیار از غذایی اندک برایش بسیار شگفت می نمود ، قبل از لب به سخن گشودن رسول خدا (ع) ناسپاسی کرد و با جمله ((محمد شما را جادو کرده است)) محفل را برهم زد . روزی دیگر دعوت انجام گرفت .

## دعوت عمومی و آغاز صف بندی موحدان و مشرکان در مکه

رسول خدا (ع) پس از دعوت پنهانی خویشاوندان در سومین مرحله از مأموریت خود (دعوت عمومی) در دعوت اجتماعی و گذر از جامعه جاهلی گامی بلند برداشت و پس از آنکه فرشته وحی فرمان هدایت عمومی ((فاصدع بما تومر)) را به وی ابلاغ کرد ، طنین ((یا صباحاه)) او در کوه صفا پیچید . گروهی اسلام آوردند ، دسته ای به تفکر فرو رفتند و گروه های زیر برآشفتنند:

۱. آنها که کورکورانه از نیاکان اطاعت می کردند .
۲. آنان که دل به دنیا و خوشی های آن سپرده ، تنها به منافع خویش فکر می کردند .
۳. افرادی که خود را برتر دانسته ، طبقات پایین اجتماع را بی مقدار می دانستند .

۴. آنان که اعتقاد به جبر را دست مایه کار خود قرار داده بودند.

۵. گروهی که بر اثر رذایل اخلاقی نمی توانستند موقعیت ارزشی پیامبر و خاندان وی را بپذیرند.

۶. آنان که لجاجت و تعصب بی جا ، شخصیت انسانی شان را مسخ کرده ، نه تنها خود نمی انیشیدند ، بلکه بیداری سایر انسان ها را نیز نمی خواستند .

### **علل مخالفت با اسلام**

۱. جهت گیری دینی و توحیدی دعوت و مخالفت اسلام با الهه اعراب و دین رایج و موروثی حاکم بر مکه مهم ترین علت مخالفت قریش بوده است .

۲. جهت گیری اجتماعی دعوت و اسلام آوردن محرومان و جوانان ، که نتیجه آن فروپاشی نظام اجتماعی – قبیله ای حاکم بود .

۳. جهت گیری اقتصادی قرآن که آیات فراوانی در سال های آغاز دعوت نازل شده بود نظام اقتصادی جامعه را مورد طعن قرار داد و معبود شدن ثروت و سرمایه را نقیص کرد .

۴. رقابت های قبیله ای و حسادت ورزیدن به موقعیت ارزشی بنی هاشم و فرزندان عبدمناف .

۵. بشر بودن پیامبر (ع)

۶. روی آوردن مستضعفان به آن حضرت (ع)

۷. اعتقاد به جبر

۸. درخواست های نابجا و ناممکن

۹. اطاعت کورکورانه از نیاکان

۱۰. دلدادگی به دنیا

### **اقدامات مشرکان**

#### **شگردهای مسالمت آمیز**

وقتی پیامبر (ع) نظر مشرکان را شنید ، پاسخی داد که بی تردید یکی از سطور برجسته تاریخ بشر به شمار می آید .

به خدا سوگند ، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند و بخواهند از پی گیری هدفم ، که همان تبلیغ آیین اسلام است ، دست بردارم ، هرگز چنین نخواهم کرد ، تا آنکه خداوند آن را پیروز گرداند یا در این راه کشته شوم .

### **نیرنگ های مردم فریب و مجتمع تهمت هماهنگ**

پس از آنکه مشرکان از تاثیر در ابوطالب نومید شدند ، طرح گفتگوی بی واسطه با پیامبر را تصویب کردند . آنها چنان می پنداشتند که می توانند با وعده ((ثروت و سرمایه)) ، ((سروری و بزرگی)) ، ((فرمانروایی و پادشاهی)) و ((زیباترین همسر)) ، رسول خدا (ع) را از رسالتش بازدارند . زراندوزان مکه ، پس از نومییدی از این تدبیر به استهزای پیامبر (ع) روی آوردند . شکنجه های جسمی و روانی ، بهای گیری های بی پایه ، درخواست انجام کارهای فرابشری ، پرسش هایی از اسرار آفرینش و تاریخ زندگی پیشینیان ، تهمت سحر و جنون و ... شیوه های مبارزه سپاه جهل علیه شخصیت نبی اکرم (ع) بود . برای هر یک شواهدی چند در آثار و اسناد تاریخی به چشم می خورد .

### **اقدامات علیه بنیان فکر نهضت**

(۱) تحریم شدن قرآن

(۲) ایجاد هیاهو و جنجال هنگام تلاوت قرآن

(۳) اسطوره ، افسانه و شعر شمردن قرآن

(۴) سرگرم کردن مردم به وسیله معرکه گیرانی چون نصر بن حارث و نقل داستان های عوام پسند

(۵) تردید در وحیانی بودن قرآن

(۶) ترویج افسانه های منطق ستیزی چون افسانه غرانیق

### **اقدامات علیه حامیان نهضت**

یکی از راه های جلوگیری از گسترش نهضت نوین اسلام و مخالفت با گرویدن به آن ، دشوارسازی شرایط زندگی اسلام آوردگان و آزار آنان بود . مهاجرت به حبشه در سال پنجم بعثت - که در مرحله اول طُوده مرد و چهار زن در آن شرکت جستند - از یک سو می توانست روح امید را در مسلمانان ستمدیده تقویت کند و از سوی دیگر ، راه را برای عمل به تکالیف اسلامی و استمرار تبلیغ در خارج از کشور از مکه هموار سازد . در

مهاجرت دوم - که پنهانی و بر اساس تجربه های مهاجران نخست و با فاصله چند ماه از هجرت نخست تحقق یافت - شمار فزون تری از مسلمانان ، برای حفظ ایمان و مانده بر عقیده توحید ، آوارگی در سرزمین های ناشناخته را پذیرفتند .

### **انزوای سیاسی و محاصره اقتصادی**

سران قبایل و اشراف متنفذ قریش عهد نامه ای به تصویب رساندند و ضمن آ و یختن آن در کعبه ، سوگند یاد کردند که در صورت تسلیم نشدن محمد (ع) در برابر خواسته آنان تا هنگام مرگ بدان وفادار باشند . بندهای این پیمان چنین بود :

۱. باید هرگونه خرید و فروش با هواداران محمد متوقف گردد .

۲. ارتباط ، معاشرت و پیوند زناشویی با مسلمانان ممنوع است .

۳. جبهه مخالف محمد در تمام حوادث و پیشامدها باید مورد حمایت قرار گیرد .

در همین سال خدیجه ، همسر بردبار رسول خدا (ع) نیز به سرای جاودان شتافت و پیامبر را در اندوه دوباره فرو برد ؛ به گونه ای که سال دهم بعثت را ((عام الحزن)) نامید .

### **راز دلدادگی خدیجه**

به نظر می رسد تحلیل رفتار فردی و اجتماعی خدیجه در این گزینش جز با پذیرش عشق وی به خوبی ها ، که در یگانه روزگارش حضرت محمد (ع) گرد آمده بود ، امکان پذیر نیست ؛ عشقی جاودان ، تشنگی آور و معرفت افزا ، نه عشقی که وصال ، قربانگاهش به شمار می آید .

### **توفیق دعوت در مکه و زمینه های هجرت به مدینه**

از این رو پیامبر (ع) به صورت آشکارتری برای تغییر حوزه جغرافیای دعوت و فراتر بردن دامه دعوت از مکه ، دو گونه اقدام انجام داد :

۱. از طریق عرضه اسلام - دعوت به پرستش الله و روی گردانی از بت ها - بر قبایلی که برای حج و یا تجارت به مکه می آمدند ، کوشید آنان را به حمایت از خویش وا دارد ؛ اما کمتر نتیجه می گرفت .

۲. اقدام دیگر پیامبر رفتن به خارج مکه و تبلیغ اسلام در نقاط دیگر بود . سفر به شهر طائف در شوال سال

دهم بعثت اقدام مهم دیگر آن حضرت در جهت یافتن پایگاه در خارج از مکه یاد شده است .

یثربیان از حضرت رسول (ع) تقاضا کردند برای تبلیغ اسلام و تعلیم قرآن مبلغی به یثرب اعزام دارد . حضرت رسول (ع) مصعب بن عمیر را همراه آنان فرستاد . بدین ترتیب ، یثرب به طور کامل از طلوع خورشید اسلام با خبر شد .

یثربیان پس از آنکه به وسیله آیه های قرآن از اهداف رسالت حضرت ختمی مرتبت (ع) آگاه شدند ، با اشتیاق تمام پیشنهاد مهاجرت حضرت رسول (ع) به یثرب را مطرح کردند و چون از موافقت پیامبر آگاهی یافتند ، با شادی و غروری وصف ناپذیر متعهد شدند همان طور که از زن و فرزند خود حمایت می کنند ، پیامبر و اهدافش را مورد حمایت قرار دهند . انتخاب دوازده نقیب با مشورت یثربیان در عقبه دوم ، حادثه مهم دیگری که از توجه جدی پیامبر (ع) به تعیین نمایندگان خاص خود و سازمان دهی برنامه های تبلیغی در خارج از مکه حکایت می کند .

### **آخرین توطئه و هجرت پیامبر به مدینه**

افرادی از تمام قبایل آماده شدند تا شب هنگام حضرتش را نابود سازند . پیامبر خدا (ع) گنجینه اسرارش علی (ع) را فراخواند ؛ امانت های مردم را به وی سپرد تا به صاحبانش بازگرداند ، شخصیت خود را همچون جامه ای برازنده بر آن یار دوران سختی ها پوشاند و به او فرمود : در بسترم بخواب و روپوش مخصوص بر خویش بیفکن . در این هنگام علی (ع) پرسید : آیا شما جان سالم بدر خواهید برد ؟ پیامبر (ع) فرمود : آری بدین ترتیب ، علی (ع) با احتمال کشته شدن خود ، مشتاقانه برای نجان جان مقتدای خویش و تقدیم جان بر ایمان در ((لیلہ المبیت)) در بستر پیامبر خفت و رسول حق روانه هجرت شد . این فداکاری آن قدر خالصانه و پر اهمیت بود که مورد ستایش خداوند واقع شد .

### تاریخ پیامبر اسلام (ع) هجرت و حکومت

#### وحدت جامعه در سایه پیوند معنوی افراد

دو قبیله اوس خزرج و مهاجران مکه زیربنای پدیده بزرگ اجتماعی و هسته مرکزی امت اسلامی در مدینه شمرده می شدند. وجود رخنه در این (بنا) امری طبیعی به نظر می رسید. دوگانگی میان اوس و خزرج - که سالیانی دراز یکدیگر را می کشتند - تعصب همشری گری یثربیان و مکیان آینده را در ابها قرار می داد. اعراب بادیه نشین که اسلام می پذیرفتند نیز از تعصبی شدید برخوردار بودند. گوناگونی زبان، نژاد و زادگاه این تازه ایمان آوردگان، در آینده نزدیک، دامنه اختلافات را فزونی می بخشید و اساس توحید و حکومت الهی را تهدید می کرد.

#### همزیستی مسالمت آمیز در قالب نخستین قانون اساسی

**این منشور که هر قسمت آن دارای ابعاد گوناگون است از سه بخش اصلی تشکیل شده است:**

۱. روابط مسلمانان اوس و خزرج و مسئولیت متقابل انصار و مهاجر نسبت به یکدیگر در همان مقطع زمانی خاص.
۲. قرارداد ترک تعرض بین مسلمانان و یهود.
۳. بخش عمومی و جهانی که حافظ وحدت مسلمانان در همه زمان هاست.

#### **بندهایی از قانون نامه عمومی مدینه چنین است:**

۱. مسلمانان ملتی واحدند.
۲. مسلمانان باید عدالت پیشه باشند و در برابر ستمگران متحد گردند؛ هر چند ستمگر، فرزند خودشان باشد.
۳. مسلمانان باید یار و غمخوار هم و یاری کننده بینوایان باشند.
۴. خون همه مسلمانان ارزش یکسان دارد و هیچ امتیازی میان آنان نیست.
۵. هر مسلمانی که به کسی پناه دهد، پناه او نزد همه مسلمانان محترم است.
۶. اگر مسلمان دیگری را بکشد، باید قصاص شود؛ مگر آنکه اولیای مقتول از قصاص چشم بپوشد.
۷. همه مسلمانان باید در پیمان صلح شرکت کنند و هیچ مسلمانی حق ندارد بدون حضور دیگران پیمان صلح منعقد سازد.

۸. اگر فردی از یهود اسلام آورد ، از کمک و یاری مسلمانان برخوردار خواهد شد و با مسلمانان دیگر تفاوتی ندارد .

۹. یهود بنی عوف [و سایر یهودیان] با مومنان در حکم یک امت شناخته می شوند ؛ با این تفاوت که یهود مطابق دستور دین خود عمل می کند و مسلمانان بر اساس اوامر دین خود .

۱۰. اگر مسلمانی پیمان بست ، حق ندارد پیمان شکن باشد .

۱۱. تنها مرجع اختلافات قضایی ، حقوقی و جنایی ، رسول خدا (ع) است .

۱۲. امضا کنندگان این پیمان دفاع مشترک از یثرب را به عهده دارند .

### **ماهیت جنگ های پیامبر (ع)**

از نظر قرآن و منابع دینی نیز جنگ تنها برای مقابله با کسانی که به جنگ برخاسته اند و برای جلوگیری از آلودگی و فساد زمین ، محفوظ ماندن پرستشگاه ها و جلوگیری از خطر ویرانی مراکزی که در مقابل جباران و طاغوتیان از حاکمیت قانون الهی دم می زنند .

### **الف) فرماندهی هوشمندانه پیامبر (ع)**

جوانب این عامل بدین قرار است :

۱. تصمیم گیری سریع و صحیح، ۲. شجاعت فردی و قدرت جسمی، ۳. اراده نیرومند، ۴. روحیه تزلزل ناپذیر

۵. دوراندیشی، ۶. شناخت روحیات و استعدادها، ۷. اعتماد متقابل و دوستی دو جانبه، ۸. رعایت مساوات ،

۹. بهره گیری از شیوه های نو، ۱۰. آشنایی و به کارگیری اصول جنگ از جمله اصل غافلگیری ، تمرکز نیروها و

رازداری

### **ب) روحیه ایمانی و جنگاوری مجاهدان**

### **ج) رعایت عدالت در جنگ با دشمن**

در این مورد به سه ویژگی مهم می توان اشاره کرد :

۱. تمام نبردهای پیامبر (ع) دفاعی و برای تحکیم پایه های صلح بوده است . (صلح جویی غیر از تسلیم پذیری

و تحمل ذلت است )

۲. غیر نژادی و غیرمادی بودن و جنبه آرمانی و اعتقادی داشتن این نبردها ، مشخصه ای است که شکست ناپذیری در هر شکل را توجیه می کرد .

۳. سازگاری رفتار و عملکرد حضرت و پایبندی ایشان به اصول انسانی از جمله : تعرض نکردن به بی گناهان ، زنان و کودکان ، مراعات حقوق اسیران ، مراقبت از مجروحان .

### **حضرت محمد (ع) و مخالفان**

#### **یهودیان**

از آنجا که روح حاکم بر کیش یهود ، نژاد و قومیت است بدین سبب به مخالفت جدی با پیامبر اسلام (ع) پرداختند .

اما بیشتر یهودیان ، با آنکه پیامبر (ع) را می شناختند ، به بهانه های مختلف با او به مخالفت برخاستند . حی بن اخطب ، رهبر قبیله بنی نضیر ، یکی از این افراد بود ؛ و این همه در حالی بود که پیامبر رحمت (ع) در همان بدو ورود به یثرب با آنان ترک تعرض و همزیستی مسالمت آمیز امضا کرده بود .

#### **بخشی از بندهای این قرارداد چنین است :**

۱. مسلمانان و یهودیان همچون امتی واحد (جامعه ای توحیدی) در مدینه خواهند بود .

۲. هر گروه در انجام مراسم دینی خود آزاد است .

۳. چنان که جنگی رخ دهد ، هر یک به دیگری - اگر متجاوز نباشد - کمک خواهند کرد .

۴. هرگاه مدینه مورد یورش دشمن قرار گیرد ، هر دو گروه در دفاع شرکت می کنند .

۵. صلح با دشمن با مشورت هر دو طرف انجام خواهد شد .

۶. امضا کنندگان این پیمان با خیرخواهی و نیک رفتاری در کلر هم به سر خواهند برد .

#### **جریان نفاق و منافقان ( مهم )**

ماهیت نفاق ، فریب و دورویی است و حکایت منافقان ، حکایت چهره های زیبا و مقدس نماست که بر آن نام (خدا) نقش بسته است .

نفاق نوعی بیماری روانی است و منافق بیمار . بیمار نه زنده سالم است و نه مرده ؛ منافق نیز نه نور ایمان دارد و نه گستاخی و جرئت کافر را .

از نظر قرآن ، خطر نفاق برای اسلام و مسلمانان از شرک و کفر کمتر نیست .

دروغ گوئی ، نظاهر به اصلاح طلبی ، فقدان شعور واقعی ، نداشتن اندیشه و فهم درست ، سرگردانی و حیرت ، شایعه پراکنی ، اضطراب درونی ، تعصب بیجا ، دورویی و لجاجت بخشی از ویژگی های رفتاری و شخصیتی منافقان است .

### **اعلام جهانی رسالت**

در سال ششم هجرت ، که موقعیت دعوت توحیدی اسلام در مدینه و اطراف آن تثبیت شده بود ، زمینه مناسب فراهم آمد تا این فرهنگ ناب ، که در میان ملیتی که از برخی جهات عقب مانده ترین بودند ، عالی ترین آثار را پدید آوردند .

در یک روز از محرم سال هفتم هجرت شش سفیر با شش نامه از مدینه خارج شدند و به دربار شش تن از زمامداران آن روز جهان رفتند . باری از میان ۱۸۵ نامه و میثاق نامه که برای دعوت به اسلام یا پیمان ، نوشته ، ۶۸ نامه برای پادشاهان ، بزرگان قبایل و راهبان است . دو نمونه از نامه ها چنین است .

### **ایمان به راه راستین (مباهله)**

هیئت ۶۰ نفری ، به سرپرستی سه پیشوای بزرگ مذهبی وارد مدینه شدند و پس از گفتگو ، از پذیرش اسلام امتناع ورزیده و با پیامبر (ع) به احتجاج برخاستند و در نهایت پیشنهاد ((مباهله)) کردند .

پیامبر اکرم (ع) به فرمان خداوند در حالی که حضرت حسین (ع) را در آغوش و دست حسن (ع) را در دست داشت و فاطمه (ع) و علی بن ابی طالب (ع) پشت سر حرکت می کردند ، به میدان مباهله گام نهاد . هیئت نمایندگی نجران از اینکه پیامبر (ع) فرزندان معصوم و یگانه دختر و یادگار خود را به صحنه مباهله آورده ، شگفت زده شدند و عقب نشینی کردند . اسقف نجران گفت : من چهره هایی می بینم که هرگاه دست به دعا بلند کنند و از درگاه الهی بخواهند که بزرگ ترین کوه ها را از جای بکند ، بی درنگ کنده می شود . ما هرگز حاضر به مباهله نیستیم . برخی از مسیحیان ایمان آوردند و گروهی پذیرفتند که در برابر بهره مندی از امنیت حکومت اسلامی ، مالیات ویژه پردازند .

## فتح مبین و عفو عمومی

هر چند مصالحه نامه سال ششم (صلح حدیبیه) که از آن تعبیر به ((فتح مبین)) شده است، مورد اعتراض برخی از اطرافیان پیامبر قرار گرفته بود، بیشتر مومنان و پیروان حضرت رسول (ع) آن را پذیرفته بودند.

## حج برائت و حج ولایت

با نزول آیات سوره برائت، پیامبر (ع) مأموریت یافت از مشرکانی که تا آن زمان براساس آداب و رسوم جاهلی شان در حج حاضر می شدند اعلان بیزاری کند.

مقرر شد صحابی پیامبر (ع) ابوبکر این آیات را در روز عید قربان در اجتماع حاجیان بخواند. پس از رهسپار شدن ابوبکر به سمت مکه، وحی الهی نازل گردید و به رسول خدا (ع) دستور داد که لازم است این پیام را تنها خود یا کسی که از توست به مردم ابلاغ کند. با در یافت این پیام، رسول خدا (ع) به علی بن ابی طالب (ع) فرمان داد به سمت مکه حرکت کند و در راه آیات را از ابوبکر گرفته، در اجتماع حاجیان، به مشرکان ابلاغ کند.

## واپسین حج یا حج ولایت

رسول حق (ع) همه مردم را در مکانی به نام ((غدیر خم)) گرد آورد تا روح اسلام (خلافت و جانشینی) را به طور کامل تبیین نماید. پس از انجام فرضیه ظهر، پیامبر (ع) بر فراز منبر بلندی از جهاز شترها قرار گرفت و پس از نیایش پروردگار، خبر نزدیک بودن رحلت خویش را اعلام کرد. آنگاه فرمود: مردم من برای شما چگونه پیامبر بودم؟

آنگاه دست علی (ع) را بلند کرد تا همه حاضران او را ببینند و فرمود: ((هر که من مولای اویم، علی مولای اوست))

## اصول، شیوه ها و اهداف حکومت حضرت محمد (ع)

حکومت از دیدگاه پیامبر خاتم (ع) وسیله بود نه هدف، وسیله بود برای اجرای احکام رهایی بخش اسلام و گسترش عدالت، اخلاق و همه فضایل و ارزش های انسانی. حکومت اسلامی مدینه مشروعیت خود را با نص و انتصاب از جانب خداوند گرفته و مقبولیتش را با بیعت و پذیرش مردم به دست آورده بود.

## جلوه‌هایی از اخلاق خاتم‌انبیاء (ع)

۱. گزارش شده است که چون در جنگ احد دندان‌های پیشین پیامبر شکست و چهره‌اش زخم برداشت و خونین شد، این امر بر یاران حضرت بس گران آمد و گفتند: چه می‌شود که بر دشمنان نفرین کنی؟ پیامبر (ع) پاسخ داد: انی لم ابعث لعانا ولكن بعثت داعيا و رحمه، اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون من به لعن و نفرین مبعوث نشده ایم، بلکه برای دعوت و رحمت برانگیخته شده‌ام. بار خدایا، قوم مرا هدایت کن که ایشان [اخیر و صلاح خود را] نمی‌دانند.
۲. در هیچ نبردی از برابر دشمن نگریخت.
۳. از ابن عباس نقل شده است که گفت: رسول خدا (ع) متواضعانه بر زمین می‌نشست و روی زمین غذا می‌خورد و گوسفندان را به دست خود دوشید و دعوت غلامان را می‌پذیرفت.
۴. از انس بن مالک رسیده است که گفت: پیوسته رسول خدا (ع) چون از کنار کودکان می‌گذشت به ایشان سلام می‌کرد.
۵. سه‌م‌های پیامبر (ع) اغلب خندان بود. عبدالله بن حارث می‌گوید: هیچ‌کسی را به مانند رسول خدا (ع) خندان ندیدیم.
۶. علی (ع) فرموده است: رسول الله (ع) چنان بود که کسی چون بی مقدمه او را می‌دید از هیبتش بیم داشت و چون به وی نزدیک می‌شد و او را می‌شناخت، به وی عشق می‌ورزید.
۷. با همه نیرو و نشاط جوانی، به سبب عفت طبع و علو همت هرگز تمایلات و هوس‌های عهد شباب به دلش راه نمی‌یافت و کسانی را که ازدواج را فقط وسیله لذت جویی قرار می‌دهند، همواره محکوم کرده است.
۸. رسول اکرم (ع) در دورانی که زن را دارای روح انسانی و حقوق بشری نمی‌دانستند، استقلال ایشان برای تصرف در جان و مال خود را اصل شمرد و مدارای با زنان را رعایت مقتضیات فطری آنان توصیف نمود.
۹. رسول خدا (ع) با فرزندان خود نیز با مهر و عطوفت رفتار می‌نمود. همواره می‌فرمود: فاطمه پاره تن من است. او قلب و روح من است هر کس او را بیازارد مرا آزرده است.
۱۰. رهبانیت و زیاده‌روی در شهوات را به یک نسبت محکوم می‌دانست.

۱۱. با آنکه در خلوت ساعت های طولانی به شب زنده داری می پرداخت ، وقتی که به نماز جماعت می ایستاد برای رعایت حال نمازگزاران به اختصار می کوشید .

۱۲. شاگرد خصوصی اش ، علی (ع) در وصف سادگی و تواضع آن حضرت گفته است :

پیامبر خدا (ع) بر روی زمین غذا می خورد [نه بر سفره شاهانه] و همچون بردگان ساده و بی تکلف بر خاک می نشست و با دست خود پای افزارش را وصله فرموده ، به دست خویش جامه اش را رفو می کرد ... .

## از سقیفه تا قتل عثمان

### جریان سقیفه و شکل گیری خلافت

#### خلافت ابوبکر (۱۳-۱۱ ق.ه)

خبر رحلت پیامبر اکرم (ع) به سرعت منتشر شد و مردم مدینه را در نگرانی و اندوه فرو برد. در میان ناله ها و فریادهای مردم، یکی از صحابه با صدای بلند گفت: این چه نادانی است که شما دارید! چرا می گویند پیامبر مرده است؟ نه، چنین گفتاری صحیح نیست. این سخن منافقان است. هر کس بگوید او مرده است با این شمشیر گردنش را می زنم. ابن عباس به او نزدیک شد و این آیه را خواند: ((و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات أو قتل انقلبتم علی أعقابکم ...)) مرد قانع شد و تهدید کرد: اگر کسی بگوید پیامبر مرده است. دست و پایش را قطع می کنم. پیامبر به آسمان ها رفته است و باز می گردد. مردم ناباورانه اشک می ریختند. ابوبکر از راه رسید و آن آیه را که بیشتر ابن عباس خوانده بود تلاوت کرد و بانگ برآورد: پیامبر درگذشت، اما خدایش زنده است. فردی که تا چند لحظه قبل، مرگ پیامبر (ع) را سخن منافقان می خواند، با پذیرش رحلت پیامبر (ع) گفت: گویا این آیه را نشنیده بودم. هیجان مردم فرونشست و اندوه و ناله هایشان ادامه یافت. هنوز مراسم تجهیز و تکفین پیامبر خدا (ع) برپا نشده بود که پیکی آهسته به ابوبکر گفت: عمر تو را می خواند. ابوبکر، که حضور در مراسم را مهم تر می دید، ناخشنود شد و سخن پیک را نادیده گرفت. قاصد دوباره پیام آورد. ابوبکر این بار اجابت کرد و همراه عمر و ابوعبیده رواج سقیفه شد.

#### جنگ های رده و واقعیت از دین برگشتگان

با توجه به زمینه هایی که از زمان حیات پیامبر (ع) بروز کرده بود و افرادی، به دلایل مختلف، ادعای نبوت کرده، در مسیر فریفتن برخی قبایل، موفقیت هایی نیز به دست آورده بودند، بحرا شکننده بعد از رحلت رسول اکرم (ع)، مجال تازه ای را در دو جهت فراهم آورد.

## گذر از در خانه فاطمه (ع)

چنان که منابع شیعه و سنی نشان می دهد ، علی بن ابی طالب (ع) مهم ترین مرد خاندان پیامبر (ع) و یاران نزدیک وی و خاندان هاشم ، از تصمیم سقیفه نشینان آگاهی نیافتند .

گروه مسلح ، خانه علی (ع) را محاصره و تهدید کردند که اگر علی (ع) و هوادارانش از خانه خارج نشوند و با خلیفه بیعت نکنند ، خانه را با اهلش به آتش خواهند کشید . علی (ع) بیرون آمد و کوشید با مطرح کردن حق خود ، اعتراض خویش را آشکار سازد . بی درنگ خشونت و شدت آشکار شد ، شمشیرها از نیام برآمد و عمر و گروهش کوشیدند به درون خانه فاطمه (ع) نفوذ کنند . فاطمه (ع) خشمگین در برابرشان ایستاد و با لحنی ملامت آمیز فریاد زد : شما پیکر رسول خدا (ع) را بر زمین نهادید و بدون مشورت و محترم شمردن حقوق ما تصمیم گرفتید . شتابان از اینجا برون روید و گرنه به پیشگاه خداوند شکوا می کنم . این امر پیچیدگی موقعیت افزود و گروه مسلح بدون به دست آوردن بیعت علی (ع) پس از رفتارهایی نامناسب ناگزیر خانه را ترک گفتند .

## خلافت عمر بن خطاب (۲۳-۱۳ ق.م)

وی در سال سیزدهم هجری با وصیت ابوبکر زمامدار مسلمانان شد . او با اقتدار کامل قریب ده سال اداره سرزمین های اسلامی را به دست گرفت .

بی توجهی خلیفه به شکایت ابولولو (فیروز) از بی عدالتی و رفتار تبعیض آمیز اربابش مغیره بن شعبه (امیر کوفه) را سبب اصلی کشته شدن خلیفه به دست وی دانسته اند ؛ در حالی که با بررسی منابع و متون و حوادث بعدی که اتفاق افتاد شاید بتوان دست امویان را در ترور خلیفه نشان داد و ثابت کرد ابولولو نیز ابزار دست امویان قرار گرفته است .

## ممنوعیت نگارش احادیث

منع تدوین حدیث ، که از زمان خلیفه اول آغاز شده بود ، با بخش نامه خلیفه دوم شدت گرفت .

## خلافت عثمان (۳۵ - ۲۴ ق)

با شورایی که خلیفه دوم پیش بینی کرده بود اشراف قریش فرصت یافتند پس از وی در کار اداره جامعه اسلامی، که خود و پدرانشان سال ها با آن مبارزه کرده بودند، دخالت کنند. عثمان که حدود ۷۰ سال داشت به مخالفت بیش از هفتاد نفر از صحابه با خلافتش توجهی نکرد.

### کارگزاران خلفا

#### الف) کارگزاران ابوبکر

ابوبکر بعد از انتخاب شدن، دوست دیرینش عمر بن خطاب را مشاور خود متصدی امر قضا و ابوعبیده جراح را متولی بیت المال نمود. زید بن ثابت کاتب او بود و عثمان بن عفان اخبار را می نگاشت. خالد بن ولید، کارگزار دیگر خلیفه و فرمانده نظامیان شمرده می شد او که در بیشتر جنگها بر ضد رسول خدا جنگیده و در نبرد احد با یورش ناگهانی بر مسلمانان تاخته بود به میگساری و ارتکاب زشتی شهرت داشت و هم اکنون در مسئولیت کلیدی به عنوان مدافع خلافت و خلیفه مسلمانان انجام وظیفه می کرد.

#### ب) کارگزاران خلیفه دوم

یکی از کارگزاران خلیفه دوم ((ابوهریره)) بود. اواخر عمر پیامبر (ع) ایمان آورد. به نظر می رسد سرسپردگی بی قید و شرط به خلیفه، دلیل مهم گزینش او به فرمانداری نواحی بحرین بود؛ وگرنه ابوهریره در میان صحابه به دروغ گوئی و تدلیس شهرت داشت.

((عمرو بن عاص)) دیگر کارگزار خلیفه دوم است (فرماندار حوزه مصر) که پیش از اسلام آوردن با هفتاد بیت شعر، پیامبر (ع) را هجو کرده بود و تا وقتی همه روزنه های امید غلبه بر پیامبر را بسته ندید، اسلام نیاورد. کارگزار دیگر خلیفه ((معاویه)) بود. هر پژوهشگری که سیره عمر را بررسی کند، درمی یابد او نه تنها با بنی امیه و در راس آنان معاویه و برادرش یزید هیچ مخالفتی نداشت، معاویه را از گروه ((مولفه قلوبهم)) خارج و در شمار مسلمانان جای داد و والی شامات گرداند.

### ج) کارگزاران خلیفه سوم

هنگام به قدرت رسیدن عثمان ، ابوسفیان خطاب به بنی امیه گفت : خلافت را مانند توپ به یکدیگر به ارث  
بسپارید . من همواره در آرزوی این روز بودم .

## نگاهی به حکومت علی بن ابی طالب (ع)

### مهم ترین فعالیت های امام (ع) در دوران خلفا

۱. تفسیر قرآن و بیان مراد بسیاری از آیات
۲. پاسخ به پرسش های دانشمندان به ویژه دانشمندان اهل کتاب .
۳. بیان حکم شرعی رویدادهای نوظهور و قضایای پیچیده ای که قضات از داوری درباره آن ناتوان بودند .
۴. پرورش انسان های برخوردار از ضمیر پاک و روح آماده و تربیت شاگردانی مانند عبدالله بن عباس و افرادی چون ابوذر ، اویس قرنی ، مقداد ، عمار ، مالک اشتر ، کمیل ، میثم تمار ، حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه تا بتوانند در پرتو رهبری امام آنچه با دیده ظاهری نمی توان دید با دیده دل و چشم باطن دریابند .
۵. کوشش برای تأمین زندگی بنوایان و درماندگان . حضرت با دست خود باغ و قنات پدید می آورد و در راه خدا وقف می کرد . به کار کشاورزی بسیار بها می داد و می فرمود: نزد خدا ، کاری محبوب تر از کشاورزی نیست .
۶. شرکت در نشست های رایزنی خلفا و ارائه صادقانه راه حل ها . هر گاه دستگاه خلافت در مسائل سیاسی و مشکلات اجتماعی با بن بست رو به رو می شد ، امام مشاوری مورد اعتماد بود که با واقع بینی خاصی مشکلات را از راه بر می داشت و مسیر کار را معین می کرد .

### موانع و مشکلات حکومت علی (ع)

۱. ناعدالتی اقتصادی
  ۲. نابسامانی اجتماعی
  ۳. انحراف ها و بدعت ها
  ۴. رفاه گرایی و تضعیف ارزش های دینی
- علل ناخشنودی از حکومت علی (ع)

موضع سرسخت علی (ع) در حکومت و کوشش در جهت اجرای کامل عدالت در همه ابعاد ، سبب ناخشنودی و مخالفت بسیاری از مسئولان حکومت های پیشین و حتی برخی از یارانش شد .

### سیره علی بن ابی طالب (ع) و سیمای حکومت علوی

امام در روزهای اول خلافت به دوستانی که از بیعت نکردن افرادی چون سعد بن ابی وقاص و عبدالله بن عمر اظهار نگرانی کردند ، فرمود : کسانی را که به من و رهبری ام احساس نیاز نمی کنند ، رها سازید . هر کس نمی خواهد با من بیعت کند ، به شرط اینکه بر ضد مسلمانان برنخیزد و فتنه بر پا نکند ، به خود واگذارید .

### وصیت نامه امام علی (ع)

## بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما اوصی به امیر المومنین علی بن ابیطالب ...

این چیزی است که علی پسر ابوطالب وصیت می کند . علی به وحدانیت خدا گواهی می دهد و اقرار می کند که محمد بنده خدا و پیامبر خداست . خدا او را فرستاده تا دین خود را بر دین های دیگر غالب گرداند . همانا نماز و عبادت و حیات و ممات من از آن خدا و برای خداست . شریکی برای او نیست . من به این امر شده ام و تسلیم خداوند و اولین مسلمانم .

فرزندم حسن ، تو و همه فرزندانم و اهل بیتم و هر کس را که این نوشته من به وی برسد ، به امور زیر توصیه و سفارش می کنم

تقوای الهی در نظر داشته باشید و جز بر آیین اسلام ، زندگی را به آخر نرسانید و به ریسمان خداوند چنگ زنید و از تفرقه و خودرایی بپرهیزید . زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می گفت : اصلاح بیهن افراد از نظر ثواب برتر است از یک سال نماز و روزه ، و فساد بین افراد موجب دوری از رحمت خدا و زوال دین است . و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم .

خویشاوندانان را فراموش نکنید و با آنان نیکی و احسان کنید تا خداوند حساب را بر شما آسان سازد .

خدا را ، خدا را ، درباره ایتام [در نظر بگیرید] مبدا گریسته و بی سرپرست بمانند .

خدا را ، خدا را ، درباره همسایگان [مراعات کنید] چه اینکه پیامبر درباره آنان سفارش نموده و همواره خود به ما درباره همسایگان توصیه می کرد ؛ تا آنجا که تصور کردیم که برای آنان ارث قرار خواهد داد .

خدا را ، خدا را ، درباره نماز که آن ستون دین شماسست .

خدا را ، خدا را ، درباره خانه پروردگارتان ، که تا زنده اید آن را خالی نگذارید . زیرا اگر کعبه از زائر خالی بماند مهلت داده نخواهیم شد و اگر شما به زیارت آن نروید ، به شما نگاه لطف نخواهد شد .

خدا را ، خدا را ، درباره روزه ماه رمضان ، زیرا روزه سپر آتش جهنم می باشد .

خدا را ، خدا را ، درباره جهاد با مال ها و جان هایتان .

خدا را ، خدا را ، درباره زکات ثروت هایتان ، زیرا زکات آتش خشم خدا را خاموش می کند .

خدا را ، خدا را ، درباره امت پیامبرتان ، نگذارید که به آنان ظلم شود .

خدا را ، خدا را ، درباره یاران پیامبرتان ، زیرا پیامبر درباره آنان سفارش فرمود .

خدا را ، خدا را ، درباره فقرا و بینوایان ، پس از آنان را در شادی خود شریک قرار دهید .

خدا را ، خدا را ، درباره آنان که زیر دست شما هستند ، زیرا این آخرین سفارش پیامبر بود که فرمود : شما را درباره دو ضعیف که زیر دست شما قرار دارند ، سفارش می کنم ، ...

نماز ، نماز ، به خاطر خدا از نکوهش هیچ ملامت گری نهراسید . زیرا خداوند خود شما را از ستم دیگران حفظ خواهد کرد و کید بدخواهان را دور خواهد ساخت . با مردم با خوشرویی رو به رو شوید ؛ همان گونه که خدای شمار فرموده است . و هیچ گاه امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که قدرت از چنگ شما خارج شده ، دیگر دعای شما مستجاب نخواهد شد . بر شما باد که هدیه دهید و به یکدیگر خیر رسانید و بر حذر باشید از جدایی خواهی و انحطاط اخلاقی .

در تقوا و احسان به دیگران یار هم باشید و در گناه و ستمگری از یکدیگر پشتیبانی نکنید و از خدا بترسید که عذابش سخت است . خدا شما را درباره اهل بیت پیامبر حفظ کند و پیامبر خودش را در میان زنده بدارد . از شما به بهترین شرایط خداحافظی می کنم و درود و رحمت خداوند را بر شما ابلاغ می کنم .

از آن پس ، دیگر سخنی جز لا اله الا الله از علی (ع) شنیده نشد .

## امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و مقتضیات زمان

### زمینه های ((آتش بس))

سپاه امام (ع) از چند گروه پدید آمده بود :

الف) شیعیان

ب) جناح اموی : به گواهی اسناد تاریخی ، در این جناح عناصری نیرومند وجود داشتند که از طرفداران بسیار بهره می بردند و در پدید آوردن یاس و تزلزل در سپاه تاثیر بسزا داشتند .

ج) سایر گروه ها . خوارج ، شکاکان ، سوجدویان ، قبیله گرایان و ... گروه هایی هستند که در این قسم جای دارد .

### صلح یا تغییر سنگر مبارزه

دقت در شروط صلح نامه زوایای بیشتری از راز کردار امام حسن (ع) را آشکار ساخته ، سیمای صلح را روشن و انگیزه تن ندادن حضرت به شهادت را تحلیل می کند .

در نقل از بندهای پیمان در میان مورخان اختلاف وجود دارد ، ولی از مجموع آنها می توان موارد زیر را ، به عنوان شرط های قرارداد ، استخراج کرد :

۱. معاویه به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل کند .

۲. پس از معاویه خلافت به حسن بن علی تعلق دارد و اگر برای حسن بن علی حادثه ای پیش آمد ، متعلق به حسین بن علی است و معاویه حق ندارد کسی را به جانشینی خود انتخاب کند .

۳. معاویه باید ناسزا گفتن به امیر مومنان علی (ع) را ترک کند .

۴. بیت المال کوفه به معاویه واگذار نخواهد شد . معاویه باید هزینه زندگی بازماندگان کشته شدگان سپاه علی را از بیت المال بپردازد .

۵. شیعیان در هر جا هستند ، باید از آزادی برخوردار باشند و کسی متعرض آنان نشود .

# جزوه تاریخ تحلیلی صدر اسلام

## دانشگاه آزاد اسلامی دماوند

استاد: حجه الاسلام و المسلمین آقای سید ابوالحسن موسوی قدم‌گلهی

تدوین: حمیدرضا میرزاییک